

جناب حیدر قبل علی علیه بهاء الله الأبهی

### بسمی الذی ینطق فی بحبوحه الأحران

حقیقت مدح و جوهر ثنا اهل بها را لایق و سزا که ثروت و زینت و الوان ناسوت انشاء ایشانرا از توجّه بافق اعلی منع ننمود اقتدار جابره و اختیار فراعنه حائل نشد بنور تقوی و نفوذ کلمه علیا عالم را بحیات تازه و زندگی پاینده مزین نمودند ایشانند رجالی که تجارت عالم ایشانرا مشغول نساخت و از توجّه بمالک قدم بازداشت در بلایا صابرند و در رزایا ساکن چه که از خلق بریده‌اند و بحق پیوسته‌اند تعالت مقاماتهم و تعالی اصطبارهم نسأل الله تبارک و تعالی ان یرفعهم بین عباده و یرتینهم بطراز العدل فی مملکتهم و یقدّر لهم ما یجعلهم حروفات کتابه و کلمات الواحه انه هو الحاکم علی ما یشاء و الأمر بما اراد لا اله الا هو مالک الایجاد و المهیمن علی من فی البلاد

یا حیدر قبل علی علیک بهائی لازال در ساحت مظلوم مذکور بوده و هستی لله الحمد فائز شدی بآنچه که در کتب الهی از قلم ابدی مرقوم و مسطور آنچه در باره توجّه و اشتعال اولیای ارض الف و راء ذکر نمودی باصفا فائز لله الحمد از اول ایام نور ایمان از افق سماء آن ارض طالع و لائح و ساطع و مخصوص در این کره از سماء عطاء مالک نور احدیه آیات بدیعہ منیعہ نازل و ارسال شد نسأل الله ان یسقیهم من کؤوس آیاته کوثر عرفانه و من کتوب بیانہ سلسبیل حبّه و رضائه و نسأله ان یؤیّدهم علی ما یرتفع به امر الله فیما سواه

اینکه ذکر رجوع از ارض صاد از قلم اعلی نازل مقصود آنکه در مدینه‌ئی که ذئب در آنست توقّف زیاد جائز نه و قبل هم اینکلمه از ملکوت امر الهی جاری اکثری از امرا و رؤسا در ظاهر اظهار محبت مینمایند و در باطن بتحریک مشغول سبحان الله الی حین اعمال عظیمه و عنایت کبیره اینمظلوم معلوم نه و احدی بان آگاه نه قریب چهل سنه حزب الله را از نزاع و فساد و قتل و غارت و اعمال و افعال مردوده منع نمودیم چنانچه کل اگر بانصاف آیند شهادت میدهند که فضل اعظم از اینمظلوم ظاهر و هویداست از قبل در هر سنه نار حرب مشتعل چنانچه دیده‌اند و شنیده‌اند و بعد از ورود اینمظلوم در عراق عرب احدی بغیر ما اراده المظلوم حرکت ننمود مع عناد غافلین و بغضای ناعقین نفسی بر تلافی و دفاع قیام نکرد نصایح الهی و مواعظ ربّانی چنان تأثیر نمود که اولیا را کشتند و شهید نمودند و ایشان نکشتند و بحق گذاشتند مع ذلک نه دولت و نه ملت اظهار رضایت ننمودند گویا از اینعمل غافلند و الی حین باین رحمت کبری و عنایت عظمی آگاه نگشته‌اند از حقّ بطلبید آگاهی بخشند و انصاف عطا فرماید در اکثری از الواح حضرت پادشاه ایده الله را ذکر نمودیم و از برایش حفظ و حراست از حقّ مسئلت کردیم باری معروف اینمظلوم مستور چه که مظاهر انکار بی شمار آیا چه شده که وزرا و امرا در تدبیریکه سبب حفظ و حراست و راحت عالم و امم است توجّه نمینمایند امروز میتوان باموریکه سبب بقاء دولت و ترقی ملت است تمسک نمود و لکن ایام بعد را این فضیلت نبوده و نیست یشهد بذلک من عنده نور المعرفة و البیان

یا حیدر قبل علی اگر چند یومی بارض خاء توجّه نمائی و بحکمت ناظر باشی شاید ثمریکه سبب نجات خلق است از سدره امید بروید و ظاهر گردد صحیفه منزله که باسم جناب نبیل اکبر نازل و همچنین صحیفه اخری که مخصوص جناب محمد قبل علی از سماء بیان نازل اگر با شما باشد خوبست فی الحقیقه این دو صحیفه یکی است باید در یکجلد جمع شود و همچنین سور و الواحیکه سبب جذب و ابتهاج و علّت هدایت و انبساطست و لکن در جمیع احوال ملاحظه حکمت اعظمست از جمیع امور از قبل در حفظ الواح بانجناب نوشته شد آنچه که تکرار ذکر لازم نه در خضرا دو سنه قبل شخصی که نزد اینمظلوم معروف بوده ملاقات با یکی از اولیا را طلب نمود و مقصودش آنکه ادراک نماید و بیابد آنچه را که مقصود اینظهور اعظمست و با یکی از اولیا ملاقات نمود و لکن از آنملاقات ثمری حاصل نه چه که بستر و کتمان مجلس باخر رسید

و نظر بحکمت مطلب مستور ماند از برای حکمت اندازه و مقدار است معلوم چه اگر این قسم حکمت عمل شود ناس ممنوع و محروم مانند در هر امری اعتدال لازم حال اگر آنجناب قصد آن اطراف نمایند لأجل زیارت و ملاقات اولیا اثر ظاهر شود البتّه عملیکه لوجه الله ظاهر گردد آثار بدیعه منیعه از عدم بوجود آید و بطراز تأثیر فائز شود بعضی از کتب منزله و آیات و الواح را اگر بعضی مشاهده نمایند عندالله محبوب و مقبول چه که اکثری از خلق از اصل امر آگاه نه بمفتریات کاذبین و روایات ناعقین از تقرّب الی الله منع شده و میشوند آنچه بر کلّ الیوم لازم و واجب اینست که لله بیصر خود در آنچه ظاهر شده و نازل گشته ملاحظه نمایند و فی سبیل الله در حفظ عباد توجه کامل مبذول دارند که شاید حزب الله باوهمات حزب شیعه مبتلا نگردند اسماء اصنام عباد گشته باید بعضند قدرت و قوت آنها بشکنند و بریزند و مقصود از قدرت و قوت قدرت و قوت حکمت و بیان است لعمر الله این قوت غالب بوده و هست و صفوف عالم و سیوف امم آنها منع نماید و ضعیف نسازد آن ربّک یعلم و یقول و الناس اکثرهم لا یعلمون از حقّ بطلب کنوز مودعه در ارض را ظاهر فرماید و هم رجال لا تضعفهم قدرة و لا تعجزهم قوه و لا تمنعهم حجبات الأرض و لا سبحاتها ینصرون الأمر باللّسان و البیان نشهد انهم اولیاء الله فی ارضه و اصفیائه فی بلاد طوبی لمن سمع و اجاب و لمن عمل بما امر به فی الكتاب

از برای نفوسیکه از قبل الواح طلب نمودی بعضی از قبل ارسال شد و حال مخصوص نفوس الف و راء ابناء مرحوم فا و همچنین ابناء مرفوع را الواح مقدسه ارسال شد نسأل الله تبارک و تعالی ان یؤیّدهم علی ذکره و ثنائه و خدمه امره انه علی کلّ شیء قدیر لازال اهل آن ارض در ساحت مظلوم مذکور ولکن کشف کامل و ستر کامل محبوب نه چه که ان الذئب یعوی و الکلب ینبح یا حیدر قبل علی از برای کلّ تأیید طلب نما در آن ارض بذکر حکمت و بیان ودیعه گذارده شده سوف یظهر ما اراده الله ربّ العالمین در هر ارض که وارد شدی اولیا را از قبل مظلوم ذکر نما لتنجذب افئدتهم من ذکر الله المهیمن القیوم اولیای شاهرود را ذکر نما لحاظ عنایت بایشان متوجه از حقّ میطلبیم کل را از سموم رقشا حفظ فرماید در پست فطرتی هادی تفکر نما تازه باذکاری ناطق که اذن واعیه ابدأ اصغای آنها دوست نداشته و ندارد تازه مرآت و وصی و امثال آن ظاهر شده بگو بریزید این اسماء مانع را و به ما ینبغی لأیام الله تمسک جوئید امروز مکلم طور بر عرش ظهور مستوی و ناطق و سدره بانمار جنیه مزین و مشهود قل

الهی الھی اسألک بآیاتک الکبری و حقیف سدره المنتهی و صریر قلمک الأعلى ان تؤیّد اولیائک علی استقامه لا تمنعها جنود الشبهات و لا صفوف الاشارات و لا الأسماء و الصفات اهل بها بحقّ ناظرند و از دوش فارغ و آزاد سست عنصرهای عالم بمفتریات قبل تمسک جسته اند از بحر معرضند و بغدیر متمسک از تشعشعات آفتاب ممنوعند و بمطلع ظلمت مقبل انصاف و عدل در ایران مرحوم شده و از عیون و ابصار مستور یا حیدر قبل علی اینمظلومها در ارض صاد و عشق کشته شدند و تعرّض نکردند و دست درنیوردند و بصبر و اضطبار تمسک جستند معذلک عناد اهل ایران نسبت بقبل بمراتب زیادتر و کاملتر مشاهده میشود در مراجعت عمل نموده آنچه را که دموع مقرّبین جاریست نسأل الله تبارک و تعالی ان یزین بلادهم بمواهبه و الطافه و جوده و احسانه انه علی کلّ شیء قدیر چهل سنه میشود حضرت پادشاه را بر حسب ظاهر اینمظلوم باراده حقّ جلّ جلاله حفظ نمود معذلک ثمری ظاهر نه و اثری هویدا نه نشکر و نحمد و نقول

یا نوار الوجود و ستار الامور اسألک بمشرق ظهورک و مطلع آیاتک و مخزن لالی علمک و حکمتک ان تؤیّد الغافلین علی التوجه الی بحر عطائک و شمس فضلک ثم قدر لهم یا الھی ما قدرته بجدوک و عنایتک انک انت المقنن المختار یا حیدر قبل علی آنچه الیوم لازم منع عباد است از توجه بافق اعلی براستی میگویم و بلسان حقیقت ذکر مینمایم هر نفسی از عشاق که مشتعل بنار اشتیاق و حضور است باید بآنچه از قبل ذکر شد عمل نماید لعمر الله در اینصورت از اهل حضور و لقا و اصحاب مشاهده و اصغا در صحیفه حمرا از قلم اعلی ثبت میشود بشّر العباد بذکر آنکه از قلم الله نازل و

جاری باقی و ثابت است بشأنیکه محو آنرا اخذ ننماید و تغییر نپذیرد ان ربک هو المبین المشفق العزیز الوهاب سبیل بعید و مشقتهای آن بسیار امروز باید کل بکلمه الهی متمسک باشند و باراده او متشبث آنچه از ملکوت امر نازل آن محبوب و مطاعست طوبی للعارفین و للعاملین اولیای آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان مخصوص من طار فی هواء محبتی و اشراق من افق الانقطاع فی ایامی و شرب رحیق الوحی من كأس عطائی الذی سمی بعلی قبل حیدر علیه بهاء الله مالک القدر و المنظر الأكبر فی الحقیقه عمل نمودند آنچه را که در این عصر از احدی ظاهر نه از حق میطلبیم کل را تأیید فرماید بر آنچه که سزاوار آنعمل مبرور مشکور است نامه جناب امین علیه بهائی و عنایتی رسید و لکن هنگامیکه بر حسب ظاهر وقت باقی نه لذا جواب معلق است بکرة اخرى لازال در ساحت مظلوم مذکورند و بر خدمت مؤید انشاءالله در جمیع احوال بحر عطا باشند از برای وری و فرات شفقت و محبت نسبت بکل از قبل فرموده خلقنا النفوس اطواراً لذا باید ایادی امر مدارا نمایند چه که ایام ظهور است رحمت و عنایت سبقت گرفته جناب امین از اول ورود در لجة احدیه الی حین مدارا نموده اند نسأل الله ان یوفقه و یؤیده بجنود الغیب و الشهادة علی ذکره و ثنائه و خدمة امره المحکم المتین جناب ابن ابهر در آن ارض بماند نسأل الله تبارک و تعالی ان یجعله مبلغ امره بحیث تنطق السن الکائنات بذکره و قیامه و استقامته و خضوعه و خشوعه لله رب العالمین انا نکبر علیه من هذا المقام الأعلى و نبشره بما نزل فی هذا اللوح المبین یا ابن ابهر علیک بهاء الله مالک القدر بیت معهود مذکور بطراز قبول فائز بشرهما من قبلی و نسأل الله ان یوفقهما و یقدر لهما ما یقریهما الیه انه هو السميع البصیر البهاء المشرق من افق سماء بیانی علیکم یا اولیائی و علی امائی اللائی اقبلن و سمعن و آمنن بالله الفرد الواحد العزیز التوار